اخبار

از ۲ سریال در ایام محرم رونمایی می‌شود

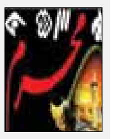

شبکه‌های سیما با فرا رسیدن ماه محرم رنگ و لعاب دیگری را به خود می‌گیرد و پخش مجموعه‌های مختلف با موضوع محرم در دستور کار سیما قرار می‌گیرد. به گزارش تسنیم، تنها چند روز دیگر تا آغاز ماه محرم و سوگواری برای سالار شهیدان امام حسین (ع) زمان باقی مانده است و در این ماه شاهد تغییر جدول پخش شبکه‌های سیما خواهیم بود که رسانه ملی ویژه برنامه‌های مختلفی را برای پخش در این ایام در نظر گرفته و مهم‌تر از آن، مجموعه‌هایی است که به نام سریال‌های مناسبتی قرار است در این ایام پخش شود.

■ **پرده‌نشین**

سریال «پرده‌نشین» به کارگردانی بهروز شعیبی و تهیه‌کنندگی محمود رضوی که از خردادماه سال جاری در تهران کلید خورد در حال حاضر مراحل نهایی تصویربرداری خود را پشت سر می‌گذارد و تا به امروز ۸۰درصد کار ضبط و فیلمبرداری آن انجام شده است. سریال تلویزیونی «پرده‌نشین» محرم امسال از شبکه یک سیما پخش می‌شود. در خلاصه داستان این مجموعه آمده است: هدی پس از سال‌ها برای دریافت ارثیه پدری می‌آید اما...

■ **سال‌های ابری**

تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «سال‌های ابری» به کارگردانی مهدی کرم‌پور و تهیه‌کنندگی محمدعلی اسلامی در حال حاضر در خانه‌ای حوالی نیاوران در حال انجام است و گروه طی چند روز آینده در این لوکیشن حضور خواهند داشت. در این مجموعه تلویزیونی بازیگرانی چون علی عمرانی، حمید ابراهیمی، علی اوجی، لیندا کیانی و پژمان جمشیدی ایفای نقش می‌کنند. ضمن اینکه گروه تولید این سریال از اوایل ماه آینده برای تصویربرداری بخش‌های فینال کار راهی خرمشهر خواهند شد. تاکنون ۷۰ درصد از کل مجموعه مقابل دوربین رفته و همزمان با تصویربرداری، تدوین نیز توسط میثم مولایی در حال انجام است.

در خلاصه داستان این مجموعه که قرار است در ۲۰ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای در نیمه دوم محرم روی آنتن شبکه دوم سیما برود، آمده است: زندگی حسین سالار از روزی به هم می‌ریزد که جاسم پرده از سال‌های ابری ذهن سالار برمی‌دارد. دیری نمی‌گذرد سالار می‌فهمد این فقط بخشی از هجمه بزرگی است که کیان زندگی او را هدف گرفته. او باید تصمیمی بزرگ بگیرد. مصالحه با مهاجمان، یا آغاز جنگ برای اثبات شرافتی که سال‌ها برای آن جنگیده‌است...

■ **دست خالی**

اما شبکه ۳ سیما هم که همواره با دست پر به استقبال مناسبت‌های مختلف سیما می‌رود و از شبکه‌های اصلی و سراسری صداوسیما محسوب می‌شود، این بار از گردونه تولید سریال‌های محرم جا ماند و حتی سیمافیلم هم نتوانست با تولید آثار خود در این برهه زمانی به این شبکه سیما کمک کند. شبکه تهران هم ظاهرا به عنوان شبکه پایتخت برای پخش سریال مناسبتی در ایام محرم و صفر تدارک خاصی ندیده است.

■■■

ادامه «آوازهای سرزمین من» در لبنان

امیرحسین شریفی، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «آوازهای سرزمین من» گفت: عوامل تولید فیلم سینمایی «آوازهای سرزمین من» از هفته گذشته به لبنان رفتند و از دوشنبه هفته جاری ادامه مراحل فیلمبرداری، در شهرهای جبیر و نبطیه آغاز می‌شود. امیرحسین شریفی، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «آوازهای سرزمین من» در گفت‌وگو با تسنیم گفت: عوامل تولید فیلم سینمایی «آوازهای سرزمین من» از هفته گذشته به لبنان رفتند و براساس برنامه‌ریزی از دوشنبه هفته جاری فیلمبرداری کار در شهرهای شمالی لبنان آغاز شود. ۱۵ روز به پایان فیلمبرداری «آوازهای سرزمین من» باقی مانده است و در شهرهای جبیر و نبطیه فیلمبرداری انجام می‌شود. شریفی با اشاره به اینکه هنوز آهنگسازی برای فیلم مشخص نشده است، اضافه کرد: صداگذاری این فیلم را شاهرخ شریفی انجام می‌دهد و ۷۰ دقیقه فیلم توسط پرهام وفایی تدوین شده است. «آوازهای سرزمین من» نام موقت تازه‌ترین اثر سینمایی عباس رافعی است و اولین فیلمی است که به نقش مخرب گروهک داعش و تکفیری‌ها در خاورمیانه می‌پردازد و مقاومت مردم منطقه در مقابل آنها را به تصویر می‌کشد. تمام بازیگران این فیلم از هنرمندان سینمای لبنان، مصر و سوریه انتخاب شده‌اند. فیلمبرداری این کار به زبان عربی است و برای اکران عمومی در ایران قرار است دوبله شود.

خبرنگار فرهنگی «وطن امروز» باشید

هموطن گرامی! نقدها و یادداشت‌های خود را در حوزه فرهنگ و هنر، اعم از نقد سینمایی، نقد کتاب و گزارش فرهنگی از سراسر ایران برای روزنامه ارسال کنید. ضمن انتشار مطالب شما به نام خودتان در روزنامه، هر ماه به بهترین مطلب ارسالی هدیه‌ای از طرف «وطن امروز» تعلق خواهد گرفت.

Farhangi@vatanemrooz.ir

گفت‌وگوی «وطن امروز» با شهرام مکری، کارگردان «ماهی و گربه» درباره نسبت فیلمسازان ایرانی با جشنواره‌ها

سفارشی از جشنواره‌های فرنگی نمی‌گیرم

عکس: ابراهیم حیدری/وطن امروز

بخش پایانی

علیرضا پورصباغ: در بخش دوم گفت‌وگو با شهرام مکری کمی پرداختن به حاشیه و فرامتن حضور در فستیوال‌های ملون فرنگی را دستمایه گفت‌وگو قرار دادیم. این بخش از گفت‌وگو هیچ ارتباطی به فیلم «ماهی و گربه» ندارد و صرفا دیدگاه‌های کارگردانی است که مورد اقبال جشنواره‌های فرنگی است و دیدگاه‌های مستقل خویش را با من در بخش دوم گفت‌وگو در میان گذاشته است.

***

■ **من با ساخت فیلم برای جشنواره‌ها مخالفم. بخش مهمی از آدم‌هایی که با رویکرد ملی به سینما نگاه می‌کنند وقتی به کلمه ملی می‌رسند با فیلمسازانی از این دست چالش می‌کنند. در این شرایط بحرانی با اعتقاد راسخ می‌گویم باید برای توده‌های انبوه فیلم ساخت. چرا نخبگان سینمایی ما از تولید فیلم‌های مردمی و پرمخاطب گریزان هستند؟ چون دغدغه مشترک داریم عرض می‌کنم واقعا در سینمای ایران ژانر مفهومی مرده است.**

این بحث، بسیار مفصل و ریشه‌ای است. ببینید! من سوالی را مطرح می‌کنم؛ ما در سینمای ایران فرض را بر این می‌گذاریم که دو مدل فیلم داریم (البته فرض می‌کنیم). تقسیم‌بندی من از فیلم‌ها، فیلم خوب و فیلم بد است، نه «فیلم جشنواره‌ای» و «فیلم توده مردم» یا «فیلم مخاطب خاص» و «مخاطب عام». در هر شرایطی مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌ای که می‌توانیم داشته باشیم این است که ما فیلم خوب و فیلم بد داریم. ملاک ما برای فیلم خوب و فیلم بد چیست؟ برای شخص من ملاک، ادعایی است که فیلم مطرح می‌کند. یعنی اگر فیلم مدعی است قصد خنداندن مخاطب را دارد باید این کار را انجام دهد و اگر مدعی است قصد به گریه انداختن او را دارد باید بتواند به‌درستی این کار را انجام دهد. اگر می‌خواهد مخاطب را به چالش فکری وادارد از پس این کار برآید. ادعاها را همیشه خود فیلم مطرح می‌کند و باید سعی کند به این ادعا پاسخ بدهد. یعنی اگر فیلم مدعی است قصد ترساندن مخاطب را دارد اما مخاطب در سینما می‌خندد پس به نظر من فیلم درست عمل نکرده است و اینجا تقسیم‌بندی بنده درباره فیلم بد مصداق پیدا می‌کند. اگر فیلم مدعی است قصد خنداندن شما را دارد اما از ابتدا تا انتهای فیلم شما یک پوزخند هم نمی‌زنید، فیلم درست عمل نمی‌کند. حالا فرض را بر این می‌گذاریم که تقسیم‌بندی دیگری هم داریم و آن تقسیم‌بندی براساس مخاطب عام و مخاطب خاص است. می‌گوییم یکجا هست که مخاطب تصمیم می‌گیرد چه فیلمی را ببیند و او است که باید فیلم را درجه‌بندی و ارزش‌گذاری کند. با این نگاه به سینمای ایران نگاه کنیم. می‌بینیم در سینمای ایران، ما یک مدل فیلم‌هایی داریم که با مخاطب انبوه ارتباط برقرار می‌کند. می‌دانید مشکل من با این مدل از فیلم‌ها چیست؟ مشکلم این است که فیلم‌های مخاطب خاص یا جشنواره‌ای در کجا ارائه خواهند شد؟ مثلا در جشنواره‌ها. یعنی در جایی ارائه می‌شوند که با مهم‌ترین فیلم‌های همتراز خود از مجموعه آثار سایر ملل با یک سنگ محک ارزشیابی می‌شوند. مثلا وقتی آقای کیارستمی یا فرهادی و سایر فیلمسازانی که فیلم‌هایشان در فستیوال‌ها دیده می‌شود فیلمی می‌سازند و در بازار فستیوال قرار می‌گیرند با همان مخاطب اندک و خاص، مهم‌ترین فیلم‌های همان رده در دنیا هستند. اما آیا سینمای مخاطب عام این کار را انجام می‌دهد؟ یعنی آیا می‌توانیم فیلم‌هایی مثل اسپایدرمن، تراسپورتر و... را همزمان در سینمای ایران اکران کنیم و ببینیم مخاطب عام ما چه ری‌اکشنی نشان می‌دهد. یعنی تعداد مخاطبان فیلم‌های با مخاطب خاص، در صورتی که بازار، بازار یکسانی برای همه باشد، از تعداد فیلم‌هایی که اسمش را گذاشته‌ایم فیلم‌هایی با مخاطب عام، بیشتر خواهد بود. چون مردم نمونه‌های بهتری از فیلم‌های با مخاطب عام را در تولیدات هالیوودی با یک کلیک می‌توانند ببینند. بهترین کمدی‌های دنیا و بهترین فیلم‌های علمی- تخیلی دنیا را می‌بینند. ما که نمی‌توانیم چیزی به عنوان سینمای ملی درست کنیم و بگوییم «سینمای ملی یعنی این فضای ایزوله‌ای که ما می‌گوییم و مخاطب نباید فیلم خارجی و فیلم‌های مهم دنیا را ببیند و اصولا فقط یک رقابت داخلی برای مخاطب عام، بین فیلم‌هایی که ما تولید می‌کنیم و می‌سازیم وجود داشته باشد.» در حالی که فیلم‌های جشنواره‌ای در رقابت با همتایان خارجی دیده و ارزشیابی می‌شوند. یعنی می‌گوییم فیلم کیارستمی بهتر است یا نوری بیگله جیلان؟ فیلم نوری بیگله جیلان بهتر است یا فیلم ژان لوک گدار؟ یعنی نمی‌گوییم که کمدی‌های ایران بهتر هستند یا کمدی‌های روز دنیا؟ فیلم‌های علمی- تخیلی یا فیلم‌های جنگی ما بهترند یا فیلم‌های علمی- تخیلی یا جنگی دنیا؟ آیا تو که مخالف صددرصد جشنواره‌های فرنگی هستی یک‌بار به این قیاس فکر کرده‌ای؟ این بازار جشنواره‌ها باعث شده فیلمسازهایی که در ایران به عنوان فیلمساز مخاطب خاص شناخته شده‌اند همیشه محکوم باشند. منتها در بازاری که در آن طرف یعنی در متن جشنواره‌های فرنگی هیچ رقیبی وجود ندارد تازه با هزار فیلم دیگر رقابت می‌کند، دیده می‌شود و درآمدزا هم هست.

■ **این روند فستیوالی شدن، سینمای ما را خالی از نخبگان می‌کند. نخبگان سینمایی ما تبدیل به آدم‌های فستیوالی می‌شوند و در واقع بازار سینمای داخلی بی‌محتوا، بی‌هدف و بدون ژانر می‌شود که اسم این سینما را هم می‌گذارم آپارتمانی. بدنه سینمای ایران در چنگال سینمای آپارتمانی است. حالا برای اینکه سینماگران ما فستیوالی نشوند چکار کنیم؟**

باید بازار سینمای ایران را تبدیل به بازار مساوی برای همه تولیدات کنیم و مخاطب را در مقابل انتخاب واقعی قرار دهیم، از سوی دیگر (به نظر من) باید فیلم خارجی، همزمان با سینمای دنیا اکران کنیم، آن هم با کمترین میزان سانسور ممکن. یعنی فیلم‌هایی که با شرایط جامعه ما جور باشد را انتخاب و در ایران نمایش دهیم. اگر این کار را انجام دهیم به شما قول می‌دهم سینماداری که الان فقط با فیلم‌هایی که هنرپیشه دارند قرارداد می‌بندد، در آن صورت فقط با فیلم‌های خارجی قرارداد می‌بندد چون در توزیع نظام پخش، سود بیشتری از اکران فیلم‌های خارجی می‌برد.

■ **در این فضا، خود شما چگونه می‌خواهید فیلم بسازید؟**

اتفاقا در آن شرایط من یا فیلمسازانی نظیر من، در یک بازار واقعی فعالیت خواهیم کرد. آنچه برای من مهم است فروش بین‌المللی فیلمم است. فیلم من در آبان‌ماه، در آلمان و سوییس نمایش داده خواهد شد. اما در همین تعداد سینما یعنی دوتا سینما در سوییس و چهار سینما در آلمان. این بازگشت مالی را در باجت فیلمم باید تعریف کنم. من نمی‌توانم با ۱۰ میلیارد تومان فیلمم را تولید کنم چون ۱۰ میلیارد تومان احتیاج به دیدن مخاطب دارد. می‌دانید چرا فیلمسازان ما می‌توانند با خیال راحت یک فیلم ۱۰ میلیاردی در ایران بسازند؟ چون یک بازار مطمئن و از پیش‌طراحی شده‌ای به اسم سینمای ایران برایشان وجود دارد.

■ **یعنی این بازار مطمئن فقط مربوط به یک قشر خاص است؟**

من هم می‌توانم در این بازار فیلم بسازم اما به نظر این بازار واقعی نیست، بازاری دروغین و حفاظت‌شده است. گرفتاری عمده من با این بازار این است که خودش را در معرض رقابت قرار نمی‌دهد. فرض کنید این اتفاق بیفتد یعنی در فصل تابستان فیلم‌هایی که می‌شناسید مثلا «محافظان کهکشان»، «ترانسفورمرز»، «گودزیلا» و از کمدی‌ها ؛ «خیابان ۲۲ » اکران می‌شد. فیلم‌های روز و پرفروش دنیا اکران می‌شد، اولا در این اوضاع چه اتفاقی برای سینماها می‌افتاد؟ به شما قول می‌دهم سینماها به جهت سود بیشتر رغبت زیادی به اکران فیلم‌های خارجی نشان خواهند داد. می‌دانید چرا؟ چون اگر همزمان با سینمای روز دنیا اکران کنند پولی که از بلیت برمی‌دارند قطعا بیشتر از پولی است که الان برمی‌دارند.

■ **اگر ما همان مدل فرانسه را هم اجرا کنیم و واردکننده فیلم خارجی موظف شود درصدی را تحت عنوان مالیات به صندوق سینمای ایران پرداخت کند، چطور؟**

آن یک بحث دیگری است. بگذارید همین بحث را ببندم. وقتی در سینمای ما فیلم‌های خارجی نمایش داده شوند بنابراین تعداد سینماهایی که برای اکران فیلم‌های ایرانی وجود دارند کم خواهد شد در این صورت می‌دانید چه اتفاقی می‌افتد؟ معضلی که من به عنوان فیلمساز مخاطب خاص برای اکران دارم، تبدیل به معضل همه سینمای ایران می‌شود یعنی فیلم‌های پرفروش ما هم سالن برای اکران نخواهند داشت، با چه تفاوتی؟ با این تفاوت که من فیلمم را با سیصد میلیون ساخته‌ام و پرفروش‌های سینمای ایران با سه میلیارد تومان ساخته‌اند. با این تفاوت که اگر من فیلمم را در دو کشور خارج از ایران بفروشم و در ایران تماشاگرهای من فقط ۵۰ هزار نفر باشند، فیلمم پول خود را بازمی‌گرداند، در حالی که آن فیلم ۳ میلیاردی برای بازار ایران تولید شده و در نتیجه نمی‌تواند فیلمش را خارج از کشور بفروشد و در بازار ایران هم کسی آن را نمی‌خواهد ببیند، چون نمونه‌های خارجی و بهتر آن روی پرده سینما موجود است.

ما یک بازار محافظت‌شده برای سینمای ایران ساخته‌ایم و فیلمسازان ما در این بازار محافظت‌شده فیلم می‌سازند و می‌گویند ما خیلی مهم‌تر هستیم چون تماشاچی داریم، شماها که اصلا تماشاچی ندارید. چون بازار اقتصادی سینمای ما واقعی نیست

ما یک بازار محافظت‌شده برای سینمای ایران ساخته‌ایم و فیلمسازان ما در این بازار محافظت‌شده فیلم می‌سازند و می‌گویند ما خیلی مهم‌تر هستیم چون تماشاچی داریم، شماها که اصلا تماشاچی ندارید. می‌خواهم بگویم ما نباید بازار را فقط بازار ایران بدانیم. بازار جهانی را هم درنظر بگیریم. اجازه بدهیم مرزهای سینمای ما به روی کشورهای دیگر باز شود. اجازه دهیم تماشاچی از حق خودش برای دیدن فیلم‌ها استفاده کند. قول می‌دهم در چنین شرایطی فیلم‌های لوباجت هنری در ایران فیلم‌های پرسودتری خواهند شد تا فیلم‌های بیگ‌باجتی که فقط برای بازار ایران طراحی می‌شوند. به شرطی که بازار ما یک بازار صاف و رقابتی باشد.

■ **خب، عده‌ای مدعی هستند ما در ایران فیلم‌های میلیاردی و پرفروش داریم؟**

دو اصطلاح «فیلم پرفروش» و «فیلم پرسود» جعلی است. ما هیچوقت این دو اصطلاح را درست به کار نمی‌بریم. مثلا فیلمی که ۷ میلیارد تومان (فقط فروش سینما را می‌گویم) هزینه دربر دارد را در نظر بگیریم. شما می‌دانید که در سینما ۵۰ درصد از پول بلیت را سینمادار، ۲۳ درصد را پخش‌کننده و ۳۷ درصد را تهیه‌کننده برمی‌دارد. با این اوصاف اگر فیلمی ۷ میلیارد تومان هزینه تولید داشته باشد باید چیزی نزدیک به ۲۰ میلیارد تومان در سینما بفروشد تا پول تولید به تهیه‌کننده بازگردد. حالا ما فیلمی با هزینه ۷ میلیارد تولید می‌کنیم که ۳ میلیارد می‌فروشد آن وقت می‌گوییم فیلم وارد باشگاه میلیاردی‌ها شد! فیلم پرفروش شد! فیلم مخاطب داشت! در حالی که این فیلم تا به سوددهی برسد هنوز ۱۷ میلیارد تومان کم دارد اما فیلمی که ۳۰۰ میلیون تومان هزینه تولیدش شده است به محض اینکه ۸۰۰ میلیون تومان بفروشد درحال سود دادن به تهیه‌کننده است. ما این مسائل را با هم قاطی کرده‌ایم و توجه نمی‌کنیم که آیا وقتی فیلمی پرفروش است پرسود هم هست یا نه؟ این مساله در سینمای ایران همیشه نادیده گرفته می‌شود. من می‌توانم مدعی باشم که فیلم «اشکان و انگشتر متبرک» با وجودی که هنوز اکران نشده اما فیلم پرسودی بوده است. چون فیلم آنقدر با هزینه کمی تولید شده که هر اتفاقی برای آن بیفتد حتی اگر یک فروش ویدئویی برود یا در جشنواره‌ای جایزه بگیرد می‌تواند سود خودش را بازگرداند. منظورم این است که سود همیشه آن چیزی نیست که گیشه اعلام می‌کند. این همان نکته‌ای است که سینمای ایران از آن غافل است.

■ **آیا این بازار ناقص به فستیوالی شدن فیلمسازان جوان نخبه سرزمین من دامن می‌زند؟**

قطعا. اما ببینید اصولا فستیوال چه کاری انجام می‌دهد؟ آیا فستیوال رفتن بد است؟

■ **این یک سوال اساسی است. بگذار یک نکته را اضافه کنم و در پاسخی که خواهی داد آن را لحاظ کن. فیلمسازی که فستیوالی می‌شود باید با الگو، اسلوب و گاها ایدئولوژی بومی حاکم بر همان جشنواره فیلم بسازد. مثلا کیارستمی فرمالیست «مشق شب» در سیر تحول فستیوالی‌اش تبدیل می‌شود به فیلمساز ایدئولوژیستی که «طعم گیلاس» را براساس ایدئولوژی و نگرش ژان پل سارتر می‌سازد، یعنی به جای همسانی با محل ظهور به عنوان فیلمساز با ایدئولوژی کشور برگزارکننده همسانی می‌کند.**

آیا لینچ یا کاستاریکا یا جیم جارموش که در فستیوال‌ها شرکت می‌کنند تغییری می‌کنند؟

■ **آنها در فستیوال ها شرکت می کنند ما هم مشکلی با شرکت در فستیوال ها نداریم حرف این است که برای فستیوال نباید فیلم ساخت چیزی که در سینمای خودمان شاهدش هستیم.**

ما اول به این نتیجه برسیم که بحث ما درباره سینماگر ایرانی و سینمای ایران است یا کلا راجع به فستیوال و جهان حرف می‌زنیم؟

■ **نه. فقط درباره سینماگر ایرانی.**

پس در خصوص سینمای ایران متمرکز می‌شویم. درباره ماهیت فستیوال دو نکته عرض کنم. آیا زمانی که فیلمی در یک فستیوال به نمایش درمی‌آید به این معناست که آن فیلم، فیلم خوبی است؟

■ **قطعا نه.**

مثلا فیلم آنتونیونی را در جشنواره کن هو کردند. ما می‌دانیم فیلم گاسپارنوئه «بازگشت‌ناپذیر» را در کن نمایش دادند و مردم هو کردند، بنابراین وقتی فیلمی در فستیوال نمایش داده می‌شود به معنای این نیست که بهترین فیلم دنیاست. ممکن است در فستیوال‌ها هو شود. می‌خواهم عرض کنم اصولا مخاطب می‌تواند موضع‌گیری خودش را درباره فیلم داشته باشد. نمایش دادن فیلم در فستیوال به معنای این نیست که دیدگاه فیلمساز با دیدگاه مردمی که در فستیوال حضور دارند حتما یکی است.

■ **مثلا این فستیوال‌ها کیارستمی را به جای اینکه ایرانی‌تر بکند، فرانسوی‌تر کرده است. یا اصغر فرهادی را به جای اینکه ایرانی‌تر کند تا حدی فرانسوی کرده است. در مقابل مصداق‌هایی که گفتی کوروساوا را قرار می‌دهم که هیچ وقت از کوروساوا بودن فاصله نگرفت با وجود اینکه اسکورسیزی و کاپولا تهیه‌کنندگان برخی آثارش بودند. نکته‌ای که به آن اشاره می‌کنیم نکته بسیار مهمی است. قبول داری که فستیوال درباره کوروساوا، تیم برتون، لینچ و جیم جانوش این کار را نکرده است اما با فیلمسازان ایرانی این کار را کرده است؟**

سوال من هم از تو این است که به نظر شما چرا فستیوال چنین کاری را می‌کند؟ آیا فستیوال‌های دنیا برنامه‌ریزی از قبل طراحی شده‌ای دارند که فقط فیلمسازان ایران را از مسیر خودشان منحرف کنند؟

■ **تئوری توهم توطئه را قبول ندارم اما غربزدگی جلال آل‌احمد در پوست و استخوانم تنیده شده، اعتقاد دارم فضا را باید طوری طراحی کنند که اشتیاق فستیوال‌زدگی از سر فیلمساز ایرانی بیفتد (همین هنر و تجربه کورسوی امیدی است) دیگر اینکه فستیوال‌بازها از بطن و بدنه مردم سفارش بگیرند نه جشنواره‌ها.**

بگذار ابتدا موضع خودم را درباره فیلمسازهایی که ایدئولوژی و نوع نگاه خودشان را نسبت به سینمای ایران ندارند و سفارش‌پذیر هستند، بیان کنم. خیلی هم مهم نیست این سفارش‌ها از طرف شهرداری یا حوزه هنری یا سازمان دفاع مقدس یا فستیوال‌های خارجی اتفاق بیفتد. این دسته از فیلمسازانی که سفارشی کار می‌کنند محکوم به شکست و فراموشی هستند.

■ **حداقل حاتمی‌کیا، راعی، عزیزالله حمیدنژاد، مسعود جعفری‌جوزانی و... فراموش نمی‌شود، چون هیچ وقت زیر بار سفارش نمی‌روند؟**

قطعا ابراهیم حاتمی‌کیا سفارشی کار نمی‌کند. ببینید! اگر مثلا من به شما بگویم بیا و امروز درباره این مساله فیلم بساز که جنگ خوب است و تو هم بسازی. فردا باز هم بگویم حالا درباره این فیلم بساز که جنگ بد است و شما باز هم بسازی! بعد بگویم حالا بیا و درباره این ایدئولوژی فیلم بساز که انسان تنهاست و تو بسازی! بعد بگویم حالا درباره این ایدئولوژی فیلم بساز که انسان تنها نیست و تو بسازی! این فیلمساز راه به جایی نمی‌برد. ممکن است یکی، دو فیلم خوب و موفق داشته باشد اما ممکن نیست که به عنوان یک فیلمساز جدی گرفته شود. از طرفی فیلمسازان دیگری هستند که فیلم خودشان را کار می‌کنند، ایدئولوژی خودشان را کار می‌کنند سپس سعی می‌کنند بازار پیدا کنند، یعنی وقتی فیلم‌های آنها را می‌بینی متوجه می‌شوی که این آدم یک مدل فکری و نگاهی در مدل فیلمسازی‌اش وجود دارد، چنین فیلمسازی بازار خود را پیدا خواهد کرد و آن بازار ممکن است ۴ هزار سالن در آمریکای شمالی باشد یا ممکن است مارکت یک فستیوال باشد. حرفی که شما می‌زنید این است که اگر فیلمسازی در یک فستیوال سفارش بگیرد و طبق ایدئولوژی آن فستیوال فیلم بسازد بد است. من هم موافقم که بد است.

اما از طرف دیگر آیا اینکه یک فیلمساز بخواهد خود و ماهیت خودش را تغییر بدهد به خاطر اینکه نزدیک به نگاه توده فیلم بسازد خوب است؟ اصولا شاید فیلمسازی دوست نداشته باشد فیلم‌هایش مخاطب میلیاردی داشته باشد اصلا دوست داشته باشد فیلم‌های شخصی مثلا اندی وارهول بسازد. چرا راجع به اندی وارهول این حرف را نمی‌زنیم؟ اندی وارهول کجا درباره جامعه آمریکا یا ملی‌گرایی فیلم ساخته؟ فیلم‌های او را چهار نفر در موزه‌ها می‌رفتند می‌دیدند. هیچوقت نمی‌گوییم چون اندی وارهول این کار را کرده بد است. اما اگر فیلمساز خودمان این کار را بکند بد است چون فیلمساز ما محکوم است برای مخاطب انبوه فیلم بسازد. من می‌گویم همانطور که آن‌سوی قضیه را نمی‌توانیم محکوم کنیم این طرف را هم نمی‌توانیم محکوم کنیم. چون فیلمساز جهان شخصی خودش را فیلم می‌کند. به نظر من فقط «فیلم خوب» و «فیلم بد» وجود دارد. مخاطب باهوش است و می‌تواند فیلم خوب و بد را تشخیص بدهد. اگر به هوش مخاطب اطمینان داشته باشیم باید این اجازه را بدهیم که مخاطب فیلم خوب را پیدا کند. ببینید! اتفاقی درباره سینمای جشنواره‌ای ایران در دهه ۸۰ روی داد. آن اتفاق هم این بود که فستیوال‌های دنیا آنقدر فیلم از دهات‌های ایران دیده بودند که دیگر از آن مدل فیلم دیدن خسته شده بودند. مثلا فیلم‌هایی از این دست که پسربچه‌ای می‌خواهد پولی را به شخصی بدهد و در این مسیر از رودخانه‌ها رد می‌شود، رودخانه پل ندارد، می‌افتد، سرش می‌شکند، بدبخت و گدا هستند و... باید بدانیم که آن طیف از مخاطبان ما آدم‌های باهوشی هستند. اگر دقت کرده باشید چقدر حضور سینمای ایران در مجامع بین‌المللی کم شد و جشنواره‌های خارجی دیگر این نوع فیلم‌ها را نمی‌خواستند. ما اگر اجازه بدهیم فیلمسازها به طور طبیعی رشد کنند، جنجال برای فیلم‌ها درست نکنیم و اگر فضاهای اضافه برای فیلم‌ها درست نکنیم در این صورت فیلم‌ها رشد و روند طبیعی‌شان را طی می‌کنند و قول می‌دهم که فستیوال‌ها هم خیلی باهوش هستند، هرچند ممکن است اوایل کیفیت این فیلم‌ها را تشخیص ندهند اما بعد از گذشت مدتی جانمایه اثر کشف می‌شود. نکته‌ای که به آن اشاره می‌کنم این است که ما مثلا برای فیلم‌هایی که در ایران است ناگهان فضایی را به وجود می‌آوریم و می‌گوییم این فیلم‌ها فلان و بهمان هستند. اتفاقا همین فضا به فیلم‌ها کمک می‌کند در کشورهای دیگر و فستیوال‌هایشان بهتر دیده شوند.

■ **یعنی جنجال‌های سیاسی داخلی به دیده شدن فیلم‌ها در فستیوال‌های خارجی دامن می‌زند؟**

قطعا کمک خواهد کرد. چون فضایی را به وجود می‌آورد که بدون شک این اتفاق می‌افتد.

■ **اگر فیلم‌های مدنظر رشد طبیعی خودشان را بکنند شاید دیده هم نشوند.**

نمی‌گویم دیده نمی‌شوند، منظورم این است که اگر رشد طبیعی خودشان را بکنند مخاطب درباره آنها تصمیم می‌گیرد، آن مخاطب هم فستیوال است و هم مردم، هم سینماداران و... . ما جلوی رشد طبیعی فیلم‌ها را می‌گیریم برای همین فیلم‌ها در جای دیگری شروع به رشد می‌کنند مثل بچه‌هایی می‌شوند که کفش کوچک پایشان می‌کنیم تا پایشان بزرگ نشود.

■ **ولی ماهیت برخی از این فستیوال‌ها مثل فستیوال برلین کاملا سیاسی است.**

فستیوال برلین به نظر می‌رسد فیلم‌هایی را دوست دارد که درباره مسائل سیاسی کشورها ساخته می‌شود. به نظر من هیچ عیب و ایرادی ندارد که این علاقه را داشته باشد.

تازه‌ها

سریال «شهید چمران» سال آینده کلید می‌خورد

گروه تولید سریال الف ویژه «شهید چمران» از استودیوهای فیلمسازی شهر ورشو به منظور بازسازی لوکیشن‌های آمریکا و مصر بازدید کردند. مسعود ردایی، تهیه‌کننده سریال «شهید چمران» گفت: در سفری ۴ روزه به کشور لهستان به همران کارگردان این مجموعه جلیل سامان و گروه تولیدی از امکانات بسیار پیشرفته استودیویی در این کشور بازدید کردیم و پیرو مذاکرات انجام شده با مسؤولان مربوط در این کشور به احتمال زیاد ۱۴ لوکیشن کشور آمریکا و همچنین مصر در ورشو تصویربرداری خواهد شد. وی افزود: با توجه به تجهیزات مدرن و به‌روز موجود در این استودیوها امکان شبیه‌سازی این لوکیشن‌ها به طور کامل وجود دارد چنانکه پس از بازبینی نمونه‌های انجام شده در این فضاها به این نتیجه رسیدیم این شبیه‌سازی به بهترین شکل ممکن انجام خواهد شد. این تهیه‌کننده تصریح کرد: پیش تولید رسمی کار از ابتدای شهریورماه آغاز شده و ما مشغول انتخاب عوامل پشت دوربین و بازیگران هستیم و تاکنون پیمان جعفری به عنوان مدیر تولید، علی صابری دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز و سیدحسین موسوی و سیدبیدختی به عنوان مجریان طرح در این پروژه قطعی شده است. ردایی اذعان داشت: بحمدالله حمایت‌های رسانه ملی از این پروژه بزرگ تا به اینجا مطلوب بوده است و با توجه به گستردگی کار، پیش تولید تا پایان سال به طول می‌انجامد و ابتدای سال ۹۴ تصویربرداری مجموعه آغاز خواهد شد.

■■■

اولین فیلم سام قریبیان کلید خورد

فیلمبرداری نخستین فیلم سام قریبیان با عنوان «۳۶۰ درجه» صبح روز جمعه ۲۵ مهرماه با حضور فرامرز قریبیان، کارگردان و بازیگر پیشکسوت سینمای ایران در لوکیشنی در بوستان ولایت آغاز شد و فرامرز قریبیان نخستین پلان این فیلم را کارگردانی کرد. نخستین سکانس این فیلم در یک روز بارانی با حضور عوامل اصلی و بازیگران فیلمبرداری شد. بهاره رهنما و میلاد کی‌مرام بازیگرانی هستند که در نخستین روز فیلمبرداری جلوی دوربین کوهیار کلاری رفتند. «۳۶۰ درجه» عنوان اولین فیلم بلند سام قریبیان است که فرامرز قریبیان تهیه‌کنندگی نخستین فیلم فرزندش را برعهده دارد. اکثر لوکیشن‌های این فیلم در تهران است و تاکنون ۳ بازیگر اصلی این فیلم جلوی دوربین رفته‌اند و بازی آنها در این فیلم آغاز شده است. «۳۶۰ درجه» از مضمونی اجتماعی برخوردار است و اولین فیلم بلند سام قریبیان است که در سی و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر اکران خواهد شد. سام قریبیان پیش از این نگارش فیلمنامه فیلم «گناهکاران» به کارگردانی پدرش را برعهده داشته و او جزو کارگردانانی است که سال‌ها در خارج از ایران در شاخه فیلمنامه‌نویسی فعالیت داشته است. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: راز و رمز حقیقی جهان در آن چیزی است که آشکار است، نه پنهان.

■■■

فعالیت «رادیو خانواده» در جهت تکریم و تعالی خانواده

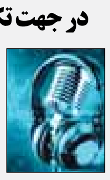

مدیر رادیو خانواده گفت: به دلیل اینکه موضوعات این شبکه مورد علاقه مخاطبان رادیو قرار گرفته است انتظار داریم بزودی این شبکه ۲۴ ساعته شود. به گزارش تسنیم، نشست خبری شبکه رادیویی خانواده با حضور طاهره راستی‌پیشه، مدیر این شبکه با هدف تشریح برنامه‌های نیمه دوم سال ۹۳ در سالن جلسات رادیو سلامت برگزار شد. راستی‌پیشه در ابتدای این نشست گفت: خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون در بین تمام جوامع بشری، به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی زیربنای جوامع و منشأ فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است، بی‌تردید خانواده بنیادی‌ترین و مهم‌ترین رکن جمهوری اسلامی ایران است و این کانون انسان‌ساز، مهد عشق‌ورزی و محبت است که باید به عنوان بزرگ‌ترین مزیت رقابتی ایران اسلامی مورد توجه قرار گیرد. مدیر رادیو خانواده مهم‌ترین اهداف این رادیو را تشکیل، تحکیم، تکریم و تعالی خانواده با بهره‌گیری از ۴ مؤلفه دین، اخلاق، امید و آگاهی دانست. راستی پیشه «رادیو خانواده، صدای زندگی» را شعار این رادیو معرفی کرد و گفت: ۲ شبکه مستقل کودک و نوجوان و خانواده برنامه‌های خود را در یک فرکانس تقدیم مخاطبان می‌کند. برنامه‌های این شبکه از ساعت ۶ صبح تا ۲۴ شامگاه بوده و طی این مدت ۱۲ ساعت آن مربوط به شبکه خانواده و ۶ ساعت مابقی نیز به شبکه کودک و نوجوان اختصاص داده شده است. این ۲ شبکه کاملا از یکدیگر مستقل بوده و هر کدام سیاست‌های خاص خویش را دنبال می‌کنند. مدیر رادیو خانواده در پایان از ۲۴ ساعته شدن این رادیو خبر داد و خاطرنشان کرد: به دلیل اینکه موضوعات این شبکه مورد علاقه مخاطبان رادیو قرار گرفته است انتظار داریم بزودی این شبکه ۲۴ساعته شود.